

بررسی محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی (تألیف ۹۴-۹۵) از منظر پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان

proshanghias@gmail.com

کلیپروین روشن‌قیاس / دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

sebrahimjafari@yahoo.com

سیدابراهیم میرشاه‌جعفری / استاد گروه برنامه درسی دانشگاه اصفهان

پذیرش: ۹۶/۳/۲۳

دریافت: ۹۵/۱۱/۱۳

چکیده

این پژوهش با روش تحلیل محتوا و با هدف بررسی محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی از منظر پرداختن به سؤالات دینی کودکان تدوین یافته است. جامعه و نمونه آماری این پژوهش کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی بوده است. ابزار پژوهش فهرست‌واره محقق ساخته شامل ۴ مقوله اصلی خداشناسی، نبوت، امامت و معاد بود. نتایج تحقیق نشان داد برخلاف تصور برآمده از پژوهش‌های روان‌شناسان تحولی‌نگر، مبنی بر به تأخیر انداختن آموزش مفاهیم دینی کودکان تا زمان دستیابی آنها به تفکر انتزاعی، به دلیل خاص و فراهم بودن زمینه‌های آشنایی با مفاهیم دینی در محیط زندگی کودکان، اقدام مؤثری برای آموزش مفاهیم دینی، که بخشی از آن در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان محقق می‌گردد، امری ضروری است. یافته‌های مربوط به تحلیل محتوای کتاب درسی حاکی از آن بود که ۴۰۵۷ درصد از کل محتوای کتاب (متن و تصویر) در زمینه خداشناسی، ۱۱۰۳۵ درصد در زمینه نبوت، ۱۱۰۷۲ درصد در زمینه امامت و ۴۰۰۳ درصد در زمینه معاد به مقوله پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان پرداخته و در مجموع ۳۱۰۸۸ درصد متن و ۳۲۰۹۲ درصد تصاویر کتاب به محورهای مذکور اختصاص یافته است. در راستای نتایج به دست آمده ضرورت بازنگری در محتوای کتاب مورد مطالعه به منظور هماهنگی بیشتر با اهداف برنامه درسی ملی در زمینه پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان و متناسب‌سازی با نیازها و توانمندی‌ها و کنجکاوی‌های مخاطبان پیشنهاد شد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، سؤالات دینی، تحلیل محتوا، کتاب درسی، هدیه‌های آسمان.

مقدمه

سلامت معنوی در او در ارتباط متقابل با دیگر جنبه‌های رشد صورت می‌گیرد. رشد دینی و سایر جنبه‌های رشد (جسمی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، گفتاری، زیبایی‌شناختی و خلاقیت) امری تسریجی است که در دوره‌هایی از زندگی سرعت بیشتر و کیفیت پیچیده‌تری پیدا می‌کند.

با توجه به حس پرسشگری که در دوران کودکی وجود دارد، پاسخ دادن به سؤالات دینی کودکان با رعایت توان ذهنی آنان ابزاری مناسب برای آموزش مفاهیم دینی است (کریمیان‌پور و احمدی، ۱۳۹۳). پرسش‌های متعدد کودکان درباره مفاهیم دینی، به طور طبیعی سنگ‌بنای فهم کودکان از مفاهیم دینی را تشکیل می‌دهد و نیز زمینه‌ساز آشناسازی آنان با دین است. امام سجاده علیه السلام در شمارش حقوق فرزند بر والدین، یکی از مهم‌ترین مسائل را توجه به دین‌آموزی کودکان برمی‌شمارد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۲). از این فرمایش می‌توان فهمید که آشنایی کودک با مفاهیم دینی از همان سنین کودکی، تأثیر فراوانی بر شخصیت او می‌گذارد و به زندگی آینده او جهت می‌دهد. بنابراین، با توجه به جایگاه تربیت دینی و تأکید نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی به تربیت دینی (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۲۷)، نهاد آموزش و پرورش باید برنامه‌تربیت دینی را جزء محوری‌ترین مسائل آموزشی خود قرار دهد. این ضرورت، که برخاسته از جایگاه دین در حیات انسانی است (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰)، در واقع، از طریق اجرای برنامه‌های درسی مرتبط با تربیت دینی، اهداف و سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه‌های اخلاقی، ارزشی، معنوی و مذهبی عملی می‌گردد. از این رو، عواملی همچون کتاب‌های درسی هریک، دارای سهم ویژه‌ای در تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان (شکاری و همکاران، ۱۳۹۳). کتاب‌های درسی، دانش‌آموزان را در معرض عقاید و افکار گوناگونی قرار می‌دهد (نوریان، ۱۳۹۰، ص ۱۱). در نظام آموزشی کشور ما، کتاب «هدیه‌های آسمان» با هدف آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم دینی، ایجاد

تربیت، ضروری‌ترین نیاز انسان است که در طول زمان پیش می‌رود. در منابع اسلامی و روان‌شناسی، مراحل تربیت در ابعاد مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. تربیت، مجموعه روش‌هایی است که شخص برای تکامل توانایی‌ها، نظرات و اشکال دیگر رفتارش، که در جامعه وی ارزش مثبت دارند، در پیش می‌گیرد (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). در این زمینه، یکی از مهم‌ترین اهداف نظام‌های آموزشی، به‌ویژه در جوامع اسلامی، تلاش در جهت فراهم کردن زمینه‌های لازم به منظور تربیت دینی کارآمد یادگیرندگان خود می‌باشد. تربیت دینی به معنای فعالیت‌های نظام‌مند نهادهای آموزشی جامعه به منظور آموزش بینش، منش و آموزه‌های دین به افراد است، به گونه‌ای که در عمل نیز به آنها پایبند باشند (داودی، ۱۳۸۵، ص ۱۶). بنابراین، می‌توان گفت: تربیت دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین قلمروهای تربیتی، نقش اصلی را در روند تحقق شکوفایی و کمال دانش‌آموزان ایفا می‌نماید و تربیت مطلوب محسوب می‌شود (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸). به بیان دیگر، تربیت دینی در معنای گسترده خود صرفاً محدود به مسائل اعتقادی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی دربر می‌گیرد و در یک کلمه، شخصیت انسان را پوشش می‌دهد (زارعان، ۱۳۷۹، ص ۱۱). از سوی دیگر، دوران کودکی مقدمه نوجوانی و جوانی مقدمه بزرگسالی است و اساس زندگی بزرگسالی، به کیفیت کودکی بستگی دارد. این کیفیت به چگونگی تعلیم و تربیت در این دوران بستگی کامل دارد. در این دوره است که شخصیت، منش و رفتار کودک و رشد جسمانی، عقلانی و فرهنگی وی بر اثر ارتباط او با سایرین شکل می‌گیرد. بی‌دلیل نیست که پیشوایان دینی بیش و پیش از هر چیز، به دوره کودکی توجه داشته‌اند (قاسمی و کاظمی، ۱۳۹۳). یکی از قلمروهای حساس و تأثیرگذار تربیتی در این دوره، تربیت دینی است. براین اساس، کمک به تربیت دینی کودک به منظور ایجاد

عابدینی بلتریک و نیلی (۱۳۹۳) بدین نتیجه دست یافته‌اند که در مقایسه کتاب هدیه‌های آسمان با سایر کتب دوره ابتدایی در مؤلفه مشارکت فعال، نقش تسهیل‌گری معلم و ارزشیابی تکوینی کمترین توجه را شامل شده است.

نوذری و همکاران (۱۳۹۱)، هشت مؤلفه مرتبط با وضعیت مطلوب آموزش مفهوم خدا به کودکان را این‌گونه برشمرده‌اند: ضرورت و امکان آموزش مفهوم خدا؛ آسیب‌ها و آفات عدم پاسخ‌گویی یا پاسخ‌گویی نامناسب؛ اهداف آموزش مفهوم خدا، محتوای آموزش مفهوم خدا، تحول دین‌داری کودک؛ اصول و روش آموزش مفهوم خدا و ویژگی مربی موفق؛ پرسش‌های خاص کودکان درباره خدا و مهارت در پاسخ‌گویی به پرسش‌های خاص کودکان درباره خدا.

شمشیری و نوذری (۱۳۹۰) دریافته‌اند که عمده‌ترین آسیب‌های موجود در تربیت دینی کودکان عبارتند از: عدم توجه به اصل دین‌یابی، عدم توجه به تجارب دینی فردی (که با پرسشگری پیرامون مفاهیم دینی ارتباط دارد)، در نظر نگرفتن اصل فطرت، عدم دین‌محوری در برنامه تعلیم و تربیت، رعایت آزادی در تعلیم و تربیت، به‌ویژه تربیت دینی، رعایت نکردن میانه‌روی و سرانجام، عدم به‌کارگیری تخیل و استفاده از زبان هنر.

یافته‌های نوذری (۱۳۸۸) حاکی از آن است که نظریه «تأخیر آموزش دین» با پهنج ایراد اساسی مواجه است: ۱. چارچوب نظری که رشد دینی در آن چارچوب بررسی شده و نیز ابزار به کار گرفته شده برای سنجش دین‌داری نامناسب است؛ ۲. از پیچیدگی و منحصر به فرد بودن رشد دینی غفلت شده است؛ ۳. تفسیری نارسا از مفاهیم دینی ارائه شده است؛ ۴. با دیدگاه مستفاد از روایات ناهماهنگ است؛ ۵. تأخیر آموزش دین هم امکان‌پذیر نیست و هم آثار نامطلوب تربیتی دارد.

صالحی و تهامی (۱۳۸۸) اظهار کردند: یکی از نقش‌های تأثیرگذار مربیان پاسخ‌گویی به کنجکاوی‌های کودکانه آنان می‌باشد. کووه‌ن (۲۰۱۰) نشان داد که در رویکرد محتوای محوری، مجموعه‌ای از سؤال‌های گروهی و چندجانبه با طرح محتوایی

نگرش و باور مذهبی در آنان، جزء اساسی‌ترین دروس، دوره ابتدایی محسوب می‌شود. از آنجاکه دوره ابتدایی بهترین فرصت برای تربیت دینی کودک است، می‌توان به سهولت مطالب و نکات اخلاقی پیچیده را به صورت عینی در قالب داستان‌ها، تمثیل‌ها و اشعار ساده به کودکان آموزش داد. بنابراین، برنامه‌ریزی این دوران بس مهم و حساس است (جام‌خانه، ۱۳۹۴). یکی از مهم‌ترین اقدامات تربیتی و به‌ویژه در راستای تربیت دینی کودکان در این دوران، فراهم کردن بنیان‌های عقلانی مستحکم برای نگرش دینی کودکان است. این بنیان در پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان تبلور می‌یابد؛ زیرا آگاهی و بینش دینی کودکان در این دوران در پایداری آنان به ارزش‌های انسانی در دوران بزرگسالی اهمیت دارد.

پیشینه بحث

در راستای آموزش مفاهیم دینی و کتاب‌های مرتبط با تربیت دینی کودکان، کارهای پژوهشی متعددی صورت گرفته که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

علیزاده و علوم (۱۳۹۴) در بررسی محتوای کتاب «هدیه‌های آسمان» مقطع سوم ابتدایی از منظر اصول انتخاب محتوای آموزشی در قرآن کریم، به این نتیجه دست یافته‌اند که از میان چهار اصل استخراج‌گردیده، به همراه شاخص‌های آن از قرآن کریم، اصول «هدایت‌کنندگی محتوا» و «انگیزه‌بخشی» در این کتاب از جایگاه مناسبی برخوردارند. در حالی که دیگر اصول، از جمله «تدبرانگیزی» از جایگاهی نسبی و «خلاقیت‌پرور» نیز از توجه اندکی برخوردار است.

فتوحی و موسوی‌نسب (۱۳۹۴) نشان دادند: استفاده از زبان داستان، قصه، تمثیل و بهره‌گیری از روش پرسش و پاسخ، تمرین و تکرار، تشویق و غیره از کارآمدترین روش‌ها در انتقال و توسعه ارزش‌های دینی می‌باشد. نتایج تحقیقی نشان داد که کتاب هدیه‌های آسمان به روش غیرفعال و پرسش‌های آن در پایه ششم ابتدایی به روش فعال تدوین شده‌اند (سمیعی و افضل‌خانی، ۱۳۹۲).

و جعفری، ۱۳۸۸، ص ۳۲). در واقع، با این تعریف مراد از تربیت، ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی است که با دین پیوند ناگسستنی دارد. تربیت دارای هشت زمینه و ساحت است. به عبارت دیگر، هشت نوع تربیت وجود دارد: تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت عرفانی، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت عقلانی و تربیت بدنی (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

با توجه به بحث‌های فراوانی که پیرامون اقسام مختلف تربیت، به‌ویژه ساحت‌های مرتبط با بعد روحانی انسان از جمله تربیت اخلاقی، معنوی و دینی شده است، اما در بسیاری از آنها مرز بین ۳ مفهوم مشخص نشده است. این در حالی است که هر یک از این ساحت‌ها با یکدیگر وجوه متمایزی دارد که درک آنها ضروری است. آیت‌الله مصباح، با مفروض گرفتن انواع تربیت‌های موجود در جامعه و مقایسه آنها با یکدیگر، تربیت اخلاقی را این‌گونه تعریف می‌کند: «تربیت اخلاقی برنامه‌ریزی برای رشد اخلاق متریبان در جهت مطلوب اسلام است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸). بدین ترتیب، تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است که در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری اخلاق مورد توجه قرار گرفته است (داودی، ۱۳۸۹، ص ۱۰-۱۱). تربیت اخلاقی مستلزم فراهم کردن زمینه‌های آموزشی و پرورش خاص برای شکوفایی و تثبیت یک سلسله ارزش‌های اخلاقی فطری است که انسان از آغاز تولد با خود به همراه دارد (شاملی، ۱۳۸۶). اجمالاً در زمینه آرمان‌ها و اهداف تربیت اخلاقی اسلامی، باید گفت: هدف نهایی تربیت اخلاقی، افزایش مراتب و درجات قلبی است که در سایه معرفت الهی، تحصیل علم و آگاهی از آنچه باید به آن متخلق شویم و تقویت گرایش نسبت به چیزهایی که متخلق شدن به آنها لازم است و از بین بردن موانع تکامل و عوامل سقوط انسان که تحت عنوان «هوای نفس» از آن یاد می‌کنند، فراهم می‌آید؛ ازاین‌رو، با فراهم کردن این مقدمات کلی شخص شایستگی

از مفاهیمی همچون عدالت، شخص، فکر، زیبایی، حقیقت و خوبی در رشد و پرورش معنوی و تجربی کودکان مؤثر است. اشتون (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای بیان می‌دارد: والدین آلمانی پس از حضور در دبیرستان‌های مختلف، ضمن ابراز نارضایتی خود از حفظ مطالب دینی، بیان نموده‌اند که استفاده از این شیوه به طور مطلق مانع اجرای اصول اخلاقی، به طور عملی می‌شود. نظر به اهمیت و گستردگی حس کنجکاوی کودکان در پرسش‌های متعدد آنها در دوران کودکی از یک سو و رسالت نظام آموزشی در راستای تربیت دینی کودکان از سوی دیگر، ضرورت پرداختن به سوالات دینی کودکان احساس می‌شود. با توجه به تحقیقات انجام‌شده، مشخص شد که در زمینه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته؛ اما درباره تحلیل محتوای کتاب «هدیه‌های آسمانی» پایه پنجم از منظر پاسخ‌گویی و فراهم کردن بستر لازم به منظور پرسشگری کودکان در زمینه مسائل دینی، پژوهشی انجام نشده؛ ازاین‌رو، تحقیق حاضر پژوهشی جدید در این عرصه است و امید است به عنوان سرآغاز اثرگذار در این مسیر موجب شکل گرفتن تحقیقات بیشتری شود تا شاهد پیشرفت و توسعه در نظام آموزشی، به‌ویژه در کلاس‌های درس باشیم. برهمین اساس، در این پژوهش، پاسخ‌گویی به پرسش زیر دنبال می‌شود:

میزان توجه به سوالات دینی کودکان (از منظر پاسخ‌گویی به سوالات و هم از منظر ایجاد زمینه در جهت پرسشگری کودکان) در کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی چقدر است؟

مبنای نظری

براساس متون دینی اسلام، تربیت به معنای ربوبی شدن آدمی است و این ربوبی شدن نیز دربردارنده سه عنصر شناخت، انتخاب و عمل است و نشانگر روندی است که فرد، تنها با روشن‌بینی عقلانی، تصمیم و استقامت در عمل می‌تواند آن را طی کند. به این ترتیب، ربوبی شدن آدمی باید سبب شکل‌گیری شخصیتی محکم و با کفایت شود (قاسم‌پور

است. در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش ذیل اصل «تعمیم تربیت دینی» چنین آمده است: «در آموزش و پرورش نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه برنامه‌ها و آموزش‌ها باید با عنوان اجزای یک مجموعه هماهنگ اسلامی بر حسب اقتضا و گنجایش جنبه و جهت دینی داشته باشد». همچنین در اصل دیگر با عنوان «اولویت تعلیم و تربیت دینی» چنین آمده است: «تربیت دینی و اخلاقی از اولویت برخوردار است و آموزش‌های دینی و اخلاقی با تربیت عمل دینی و اخلاقی همراه است.»

به‌طورکلی، بین سه مفهوم تربیت اخلاقی، معنوی و دینی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد، اما می‌توان گفت پله نخست تربیت، تربیت اخلاقی و هدف غایی آن، تربیت معنوی است و هدف غایی تربیت معنوی، تربیت دینی است. بنابراین، بالاترین درجه تربیت، تربیت دینی است (سلحشوری، ۱۳۹۰، ص ۵۴). همچنین مراد از تربیت معنوی، تربیتی جامع و دربرگیرنده تربیت دینی، اخلاقی و عرفانی است (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). ارتباط بین دین و اخلاق و تربیت دینی و اخلاقی در عرصه آموزش و پرورش در اسناد و دیدگاه‌های کارشناسی به وضوح به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که در سند تحول بنیادین، تربیت دینی و اخلاقی در یک ساحت تربیتی مجتمع شده‌اند. این ارتباط از یک سو، به تأکید دین بر فضایل اخلاقی اشاره دارد و از سوی دیگر، مؤید این مطلب است که فضایل اخلاقی علاوه بر حسن عقلی، حسن دینی نیز دارد. به عبارتی، انگیزه انجام عمل اخلاقی متکی بر باور و ایمان دینی است که در شکل‌گیری این انگیزه، دو مفهوم «پاداش و عقاب» و «نظارت» نقش دارد. به بیان دیگر، کلیه اعمال اخلاقی مؤمنان برگرفته از درک محضربیت حق تعالی است (حسنی، ۱۳۹۵). بنابراین، باید گفت که میوه تربیت دینی، تربیت اخلاقی است. به نظر محققان نیز بالاترین درجه تربیت، تربیت دینی است که می‌تواند تربیت عرفانی، اخلاقی معنوی را نیز در انسان تجلی بخشد. علاوه بر آن، بزرگان دینی «تربیت دینی» را راجح‌تر دانسته‌اند.

لازم را برای تقرب به خدا پیدا می‌کند (حسنی، ۱۳۹۵).

از دیدگاه علامه طباطبائی، تربیت معنوی در جهت‌دهی به فرایند تجرد نفس و متناسب با فطرت ربوبی او معنا می‌یابد که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است. بدین‌روی، اهداف تربیت معنوی دارای سه جنبه شناختی، گرایشی و عملی است (اشعری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹۶). از سویی، تربیت معنوی با مورد توجه قرار دادن ساحت روحانی انسان که در پیوند با ساحت ربوبی است، باب مناسبی برای گفت‌وگو در عصر جهانی شدن فرهنگ‌هاست و می‌تواند پیروان ادیان توحیدی را به وحدت نظر در تربیت انسان رهنمون سازد (اشعری و همکاران، ۱۳۹۱). یکی از غایات تربیت اسلامی، تربیت معنوی است و آن، زمانی تحقق می‌یابد که انسان، خداوند یگانه را مدبر و مالک خویش می‌گیرد. تنها سرسپاری واقعی به مالکیت و تدبیر اوست که می‌تواند آدمی را به تعالی و فلاح رهنمون سازد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

نظر به اینکه هدف نهایی تربیت آن است که متربی خویش را ربوبی سازد، بنابراین، تربیت مطلوب همان تربیت دینی است. از همین روست که برخی معتقدند تربیت دینی به معنای اعم محدود به مسائل اعتقادی، معنوی یا اخلاقی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی دربرمی‌گیرد و در یک کلام، شخصیت انسان را پوشش می‌دهد (زارعان، ۱۳۷۹، ص ۲۲). به اعتقاد برخی دیگر، تربیت دینی، ارائه و یاد دادن مجموعه گزاره‌ها و رفتارهای آگاهانه و هدف‌دار مربوط به دین است، به گونه‌ای که افراد در زندگی و رفتار خود به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۴) و در نهایت باید گفت: تربیت دینی قلمرویی وسیع دارد، به طوری که تمام شئون زندگی انسان را دربرمی‌گیرد.

در اسناد و مصوبات آموزش و پرورش نیز تربیت دینی به عنوان یک مقوله کلیدی و ارزشمند نظام آموزشی تلقی شده

مؤلفه‌های تدوین محتوای کتب درسی بر مبنای تربیت

دینی

مؤلفه‌های اصلی محتوای تربیت معنوی از دیدگاه علامه جعفری، که در کتاب ترجمه و تفسیر نهج البلاغه آنها را بیان کرده است (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۱۸۸) به اجمال عبارتند از:

۱. تأکید بر حیات آگاهانه: انسان به حیات خود، آگاه است و اصول و ارزش‌های آن را برای خود تفسیر می‌نماید. این خودآگاهی، محصول تکاپوهای فکری و عقلانی برای شناخت هویت و اصول و ارزش‌های حیات انسانی است. این عنصر، لزوم آگاهی به حیات «آنچه هست» و حیات «آنچه باید باشد» است که در مفاد آیه ۴۲ سوره «انفال» آمده است: ﴿لِيُهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَىٰ عَنْ بَيِّنَةٍ﴾؛ تا کسی که هلاک می‌شود و زندگی او تباه می‌گردد و همچنین کسی که زندگی می‌کند، هر دو مستند به دلیلی روشن باشد. بر مبنای این آیه شریفه، انسانی که نتواند به حیات خود، آگاهی داشته باشد، به حیات معقول دست نیافته و حکم پدیده‌ای ناآگاه را دارد و در برابر زورگویی‌ها و زورآزمایی‌های هم‌نوعان ناآگاه خود، تسلیم محض است.

۲. هدایت آزادانه و اختیاری توانایی‌ها و فعالیت‌ها در مسیر هدف‌های تکاملی: هر قدر یک فرد و یا یک جامعه در بهره‌برداری از آزادی در مسیر اختیار، پیشرفت داشته باشد، به همان مقدار از «حیات معقول» بیشتر برخوردار است. این عنصر تعریف در آیه ۴۸ سوره «مائده» و آیه ۱۴۸ سوره «بقره» در قرآن کریم آمده است: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾؛ برای وصول به خیرات سبقت بجویید. بدون تردید، تکاپوی اختیاری هم در معنای «سبقت» نهفته است و هم در «خیرات»؛ زیرا هدف‌هایی که با اجبار در سر راه آدمی قرار می‌گیرد، فقط هنگامی با عنوان «خیر» قابل توصیف است که با ارائه و اختیار به آن هدف دست یابد و بدیهی است که خیر و شر هنگامی که به کارهای انسانی نسبت داده شود، از مفاهیم ارزشی است که ضرورتاً ارائه و اختیار در اتصاف انسان به یکی از آن دو، دخالت دارد. «اخیر» به افرادی اطلاق می‌گردد که با امکان ارتکاب زشتی‌ها و پلیدی‌ها، دست به آنها نیالایند

و «اشرار» به کسانی گفته می‌شود که با امکان رفتار صحیح و خردمندانه، مرتکب زشتی‌ها و پلیدی‌ها گردند.

۳. مسیر هدف‌های تکاملی عقلانی و شکل‌دهی شخصیت انسانی: هریک از مؤلفه‌های حیات معقول انسانی ماهیت دویبعدی دارد و آدمی با درک این دو بعد، هرگز خلأئی در زندگانی احساس نمی‌کند: ۱. بعد هدفی؛ ۲. بعد وسیله‌ای.

بعد هدفی حیات معقول اشاره به آن دارد که تمام اندیشه‌ها، گفتارها و رفتارهای انسانی، در جهت حیات وابسته به کمال برین و جاودانی است و حتی شور و اشتیاق انسان برای وصول به اهداف بعدی، نشانه‌ای از روش تکاملی حیات انسانی می‌باشد که در عین حال، دارای مطلوبیتی ذاتی و نسبی است. اما بعد وسیله‌ای آن مبین این مطلب است که حیات معقول در هیچ نقطه‌ای از گذرگاه‌های زندگی، سکون و ایستایی را نمی‌پذیرد و به طور جدی، به فعلیت رسیدن توانایی‌های خارق‌العاده وجود عظیم انسانی را یک حقیقت بنیادین می‌داند و در صورت توقف و ایستایی با بن‌بست‌ها و تناقضات حل‌ناشدنی مواجه می‌گردد و نمی‌تواند تشکل شخصیت انسانی خویش را به شیوه‌ای عقلانی به انجام رساند. در قرآن کریم از این ویژگی به «قول ثابت» تعبیر شده است: ﴿يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ (ابراهیم: ۲۷)؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند با قول ثابت در حیات دنیوی و اخروی تثبیت می‌نماید.

مقصود از «قول ثابت» در آیه فوق، همان اصول و قوانین عقلانی است که حافظ تکامل شخصیت انسانی در عین وحدت آن می‌باشد. زندگی بر مبنای اصول و قوانین عقلانی ثابت که مبنای وحدت شخصیت در جریان تحولات زندگی است، از مختصات حیات معقول است نه حیات طبیعی محض؛ زیرا حیات طبیعی محض همواره در مجرای تأثیر و تأثر از طبیعت و انسان‌ها حرکت می‌کند و اگر پدیده‌ای در این حیات طبیعی به وجود آید، معلول عوامل خارج از اختیار و اعمال نظر شخصیت انسانی است که فاقد سلطه و نظارت درباره آن موضوع طبیعی می‌باشد.

۴. زمینه‌سازی ورود به هدف اعلای زندگی: انسان با اقبال و روی

چشمان به مقتضیات ساختار و موضع‌گیری بیننده، خلاف واقع را نشان می‌دهد، در صورتی که عقل، کسی را که از آن پندی بخواهد، فریب نمی‌دهد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ح ۲۸۱). بر این مبنای، یکی از ویژگی‌های ممتازی که امیرمؤمنان علیه السلام برای تفکر انتقادی مطرح می‌سازد، تعقل همراه با تدبیر است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۶).

۲) مطالعه پیوسته: امیرمؤمنان علیه السلام درباره یکی از زمینه‌های ایجاد تفکر انتقادی در افراد، مطالعه در دانش‌های جدید و نظریات تازه را پیشنهاد می‌کند و می‌فرماید: «دل‌ها همانند پیکرها به ستوه آیند؛ پس برای آنها حکمت‌های تازه بخواهید» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۶۷، ص ۶۱).

۳) پرسشگری: سیره حضرت علی علیه السلام بر این بوده است که مردم را به سؤال کردن تشویق می‌کرد. برای نمونه، در یکی از سخنرانی‌های خود در مسجد کوفه خطاب به مردم می‌فرماید: «ای مردم، از من بپرسید پیش از اینکه مرا از دست بدهید...، پیش از اینکه فتنه‌ای مانند شتر بی‌صاحب پای خود را بلند کند، مهار خود را زیر پا بگذارد و عقول قوم خود را تباه سازد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خ ۱۸۹). بنابراین، از دیدگاه آن بزرگوار، همیشه مرزهای تفکر و اندیشه باید نگاه داشته شود؛ چه بسا که پرسش‌های زیانبار باعث گمراهی فرد و افزایش شک و تردید بیهوده وی نسبت به مسائل مختلف شود و او را از هدف اصلی بازدارد.

۴) شک راهبردی: امیرمؤمنان علیه السلام معتقد است که شناخت انسان تنها از طریق تعقل صرف حاصل نخواهد شد و برای بهره‌مندی از معرفت حقیقی، نیاز است که انسان به مسائل مختلف به دیده شک و تردید بنگرد و به صرف قابل قبول بودن دلایل ظاهری مسئله با پذیرش آن از سوی عده‌ای، به پذیرش آن مسئله‌مجاب نشود. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «گمان عاقل، گوشه‌ای از عقل اوست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۲). با این حال، حضرت توجه بیش از حد به شک و تردید در مسائل را رد می‌کند تا جایی که می‌فرماید: «از بدبختی مرد این است که شک، یقین او را فاسد کند» (همان، ص ۷۱).

نمودن به خود طبیعی خویش و توجه به نیازهای مادی و تمایلات حیوانی، هیچ‌گاه نمی‌تواند به حریم مقدس هدف والای حیات نزدیک گردد. او باید با استفاده منطقی از فعالیت‌های عقل سلیم که با وجدان اخلاقی و دریافت‌های فطری آدمی و کتاب الهی و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هماهنگ می‌باشد و پایداری در بهره‌برداری از فعالیت‌های عقلانی همسو و هم‌جهت با آهنگ کلی هستی که وابسته به کمال برین است، مشارکت نماید.

در آیه‌ای از قرآن کریم نیز، با صراحت، چگونگی ورود انسان را به هدف‌های زندگی توضیح می‌دهد که بر اساس آن، انسان با آگاهی به شرکت در مسیر هستی چنان رابطه با خداوند سبحان برقرار می‌نماید که تمام لحظه‌های عمر او در هر موقعیت مادی و معنوی در ارتباط با اوست و اشتیاق روح آدمی به سوی کمال، بدون وصول به آن ارتباط، با هیچ مقصود دیگری قابل اشباع نمی‌باشد (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۲۰۶ و ۲۰۷). امیرمؤمنان علیه السلام مهم‌ترین ویژگی‌های محتوای تربیت دینی را این‌گونه مطرح می‌کند:

۱) تعقل همراه با تدبیر: در تربیت اسلامی تدبیر بدین معناست که انسان در ظواهر کارها توقف نکند و در فرجام آنها بیندیشد و پایان کار را بنگرد؛ زیرا یکی از راه‌هایی که می‌توان با آنها نیروی عقل را تقویت کرد این است که انسان در مورد هر کاری، اطراف و جوانب آن را خوب بررسی، و در آثار و نتایج خوب یا بد آن، اندیشه و تأمل کند؛ چراکه توقف در ظواهر و غفلت از پیامد و نیندیشیدن در فرجام کارها انسان را از سیر به سوی کمال باز می‌دارد. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «قبل از اینکه عزم نمایی، اندیشه نما و پیش از اینکه اقدام کنی، مشورت کن و پیش از اینکه وارد شوی تدبیر کن» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۳).

امیرمؤمنان علیه السلام همواره در سخنان خود بر استفاده انسان از قوه تعقل در تمام مراحل زندگی و بیان و فهم مطالب از طریق استدلال متقن و محکم و عقل‌پسند تأکید دارد و می‌فرماید: «تدبیر با تعقل مانند دیدن با چشمان نیست؛ زیرا گاهی

۵) موقعیت‌سنجی: حضرت علی علیه السلام در بررسی عواملی که باعث نهادینه شدن برخی رفتارها در فرد می‌شود، به مسئله زمینه‌سازی و آماده ساختن موقعیت هر مسئله اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و معتقد است که نباید در هر جایی و هر زمانی به کاری دست زد. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «دل‌ها را روی کردن و پشت‌کردنی است؛ پس دل‌ها را آن‌گاه به کار وادارید که بخواهند؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کورمی‌گردد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵).
از بررسی اجمالی مبنای نظری این‌گونه استنتاج می‌شود که متون دینی و اسلامی بر تربیت دینی افراد در همه دوران‌های زندگی تأکید دارند، ولی مسئله اصلی رعایت اصول و رویه‌های صحیح در تربیت دینی است تا تربیت به طرز صحیح از همان دوران کودکی محقق شود و به شک و بدگمانی و گریز از دین در آینده منجر نشود و کتاب‌های درسی به‌مثابه قلب آموزش و پرورش کشور ما، باید مبتنی بر مؤلفه‌های تربیت دینی و نیازها و ویژگی‌های دوران کودکی تدوین شود تا کودکان در فرایند یادگیری پایه‌های دین و معرفتی خود را بناکنند و با درک مسائل مبهم و پاسخ‌گویی به سؤالات دینی‌شان، با قطعیت و ایمان محکم‌تری مسیر تربیت را پیش روند.

اهمیت توجه به روح پرشگر در تربیت دینی

خداوند در وجود انسان غریزه کنجکاوی را قرار داده است و به همین دلیل، کودک طبق آن غریزه برای رسیدن به شناخت خود و جهان هستی دایم در حال سؤال کردن است. اگر جواب‌های قانع‌کننده و معقولی به این سؤالات داده نشود، سؤال از بین نمی‌رود، بلکه ممکن است به تعبیر روان‌شناسی، سرکوب شود و به شکل‌های دیگری بروز کند. امروزه ذهن کودکان پر از سؤال‌ها، و تردیدها درباره خود، خداوند و هستی است. بنابراین، باید به دنبال زمینه‌هایی بود که جوانان بتوانند درباره سؤال‌های ذهنی خود آزادانه صحبت کنند و بنا بر تأکید صریح قرآن، در این امور به جست‌وجو و تفکر

بپردازند و اصول دین خود را نه با تقلید، بلکه با تفحص و تفکر بشناسند و به آن اعتقاد پیدا کنند. فردی که سؤالات دینی برایش پیش می‌آید و با پرسشگری درصدد یافتن پاسخ به آن سؤالات است، به تدریج به پاسخ‌های مناسب دست می‌یابد و به هویت رشدیافته یا درونی‌شده دینی می‌رسد؛ بدین معنا که ترکیب مناسبی از باورها، افکار، اعتقادات و عواطف را در خود شکل می‌دهد و به نوعی احساس تعهد و مسئولیت دینی در عرصه‌های مختلف زندگی دست می‌یابد. وقتی چنین هویتی در فرد شکل گرفت، در سال‌های جوانی و بزرگسالی نیز صیقل داده می‌شود و استحکام و پویایی شخصیت دینی خاص را شکل می‌دهد (فیاض، ۱۳۸۸).

بسیاری از صاحب‌نظران عرصه آموزش و پرورش و روان‌شناسی، پرسش کردن را نه تنها یکی از عناصر، بلکه عامل حیاتی فرایند یادگیری می‌دانند. برای نمونه، زوبیل (۱۹۷۸) این اصل را مورد تأکید قرار داده است: مهم‌ترین عامل مؤثر در یادگیری این است که فراگیر از قبل چه چیزهایی می‌داند. پس از مشخص شدن میزان یادگیری قبلی، می‌توان به او آموزش داد. حتی این گفته مشهور پیازه را که تفکر منطقی در اثر دستکاری اشتباه به وجود می‌آید، به خوبی می‌توان به «پرسش کردن» نیز بسط داد (گنجی و همکاران، ۱۳۹۲). از نگاه آندرو جون (۲۰۰۸) یکی از اصول تفکر نقادانه، پرسشگری است که به معنی پرسیدن سؤالات مناسب از خود و دیگران برای فهمیدن دقیق‌تر مطلب یا مسئله مطرح شده است.

فلاسفه نیز به پرسشگری انسان نظر داشته‌اند و پرسشگری را شاخص‌ترین توانایی انسان در نظر گرفته‌اند. بعضی رویکردها، انسان را موجودی ذاتاً پرسش‌کننده معرفی نموده است و ناب‌ترین و مهم‌ترین ویژگی او را پرسشگری می‌دانند. ساوسون (۱۹۹۳) معتقد است که گرچه جهت‌گیری‌های نظام‌های آموزشی در چگونگی استفاده از ظرفیت پرسشگری در جهت رشد و کمال انسان نقش بسزا و تعیین‌کننده‌ای دارد، این ویژگی ذاتی هرگز در سایه اراده و جهت‌گیری‌های

امام علی علیه السلام شرفیاب شد و گفت: آمده‌ام از چهار مسئله پرسش کنم. امام فرمودند: «پرس، گرچه چهل مسئله باشد». پاسخ امام خودگویای اهمیت قابل توجه پرسشگری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد.

روش‌شناسی

به منظور رسیدن به هدف مزبور، پژوهش حاضر به صورت توصیفی و از نوع تحلیل محتواست که در آن به تحلیل محتوای کتاب «هدیه‌های آسمان» پایه پنجم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ پرداخته است. از تحلیل محتوا به منظور بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن استفاده می‌گردد. از آنجا که پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان هم جنبه مستقیم و هم جنبه غیرمستقیم دارد، بنابراین، همه محتوای کتاب درسی و همه جملات کتاب می‌توانند در پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان کارآمد باشند؛ در نتیجه، همه کتاب و محتوای درس مورد تحلیل قرار گرفته است. در این روش، محتوای آشکار پیام به صورت نظام‌دار و کمی توصیف می‌گردد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۳۳). همچنین در این روش در گام اول، مقوله‌های مورد بررسی مشخص و سپس چک‌لیستی از شاخص‌های مربوط به این مقوله‌ها طراحی می‌شود و سپس میزان پرداختن محتوا به هریک از مقولات تعیین می‌گردد.

جامعه و نمونه: در پژوهش حاضر جامعه آماری محتوای کتاب «هدیه‌های آسمان» پایه پنجم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ است که تمام دروس، فعالیت‌های یادگیری و تصاویر آن بررسی شد. نمونه آماری به دلیل محدود بودن جامعه، همان جامعه آماری در نظر گرفته شد.

ابزار: در این پژوهش علاوه بر منابع اطلاعاتی همچون کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر مراجع علمی معتبر در این زمینه، ابزار، همان فهرست‌واره محقق ساخته است که شاخص‌های مربوط به پرداختن محتوا به سؤالات دینی کودکان و تحریک کردن حس پرسشگری آنان در زمینه مسائل

حاکم بر محیط از میان نخواهد رفت (مهرمحمدی، ۱۳۸۴). قرآن که کتاب هدایت است و راه‌های تعالی و کمال را به بشر نشان می‌دهد، اهمیت مسئله پرسش و پاسخ را به صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح نموده است. در جایی، سؤال فرشتگان درباره خلقت انسان از پیشگاه الهی و پاسخ پروردگار را ذکر کرده است (بقره: ۳). در دو جای قرآن دستور می‌دهد که از آگاهان پرسید: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷)؛ اگر نمی‌دانید، از آگاهان پرسید. «فاسألوا» به صورت امر آمده است و دلالت بر این دارد که در مسائل شرعی و دینی سؤال واجب می‌شود. البته چنان‌که علامه طباطبائی گفته است: این آیه شریفه ارشاد به یک اصل عقلایی است که عبارت است از واجب بودن رجوع افراد ناآگاه و جاهل به اهل خبره و اطلاع (طباطبائی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۲۵۹). و خداوند به مسلمانان امر می‌کند آنچه را نمی‌دانند از اهل اطلاع پرسند و خودسرانه در مسائلی که به آن اطلاعی ندارند اقدام نکنند، چنان‌که در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء: ۳۶)؛ آنچه را که بدان علم نداری پیروی نکن، چه گوش و چشم و دل مسئولند.

سؤال و جواب در روایات اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت سؤال و دین‌شناسی فرمودند: «لا یسمع الناس حتی یسألوا و یتفقها و یعرفوا امامهم و یسعهم أن یأخذوا بما یقول...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰، ح ۴)؛ مردم در فراخی و گشایش نیستند تا اینکه پرسند و بفهمند و امام خویش را بشناسند و مطابق گفته او عمل کنند. در سخن دیگر، امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمودند: «أف لرجل لا یفرغ نفسه فی کل جمعه لأمر دینه فیتعاهده و یسأل عن دینه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹)؛ اف بر کسی که خود را هر روز جمعه برای دینش آماده نکند تا با آن تجدید پیمان نموده و از [مسائل] دینش سؤال کند.

محدث قمی در سفینه البحار می‌نویسد: مردی حضور

(نوریان، ۱۳۸۹، ص ۶۸). از این رو، تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان با استفاده از رویکردی قیاسی براساس طبقات از پیش موجود و با استفاده از تکنیک ویلیام رومی انجام شده است. در متن هر عبارتی که حاوی مفهوم، مضمون و یا کلمه‌ی مربوط به هر کدام از مقوله‌هاست مشخص شده و فراوانی آنها شمارش شده و سپس با گزارش فراوانی مورد پردازش و تحلیل قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی، انجام فرایند تحلیل محتوا براساس آنچه که کریپندروف (۱۳۸۳) درباره‌ی تعیین واحدهای نمونه‌گیری، واحدهای ضبط و واحدهای متن تا دستیابی به نتیجه‌گیری کلی و تفسیر داده‌ها بیان کرده، انجام شده است. به عبارت روشن‌تر، مراحل زیر در تحلیل محتوای پژوهش حاضر انجام شد: (۱) مشخص کردن واحد نمونه‌گیری که شامل کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم ابتدایی است.

(۲) مشخص کردن واحد ضبط که مؤلفه‌های مربوط به سؤالات دینی کودکان را در بر می‌گیرد.

(۳) در این مرحله، واحد متن به دو بخش نوشتاری و تصاویر تقسیم می‌گردد که واحد نوشتاری شامل کلمات، جملات، پاراگراف‌ها، تمارین و پرسش‌ها می‌باشد.

(۴) در پایان، با توجه به بررسی به‌عمل آمده و استخراج شاخص‌های سؤالات دینی کودکان و بررسی چگونگی بسترسازی برای پرسشگری کودکان در کتاب درسی، نتایج حاصل مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

نظر به ارتباط سطح رشد شناختی و پرسشگری کودکان، صاحب‌نظران و متخصصان بسیاری علاقه‌مند به بررسی روند رشد تفکر دینی کودکان بوده‌اند که از جمله معروف‌ترین صاحب‌نظران پیائزه (۱۹۷۲)، گلدمن (باهنر، ۱۳۸۸) و هارمز (نوذری، ۱۳۸۸) می‌توان اشاره کرد.

براساس نظریه‌های رشد شناختی به‌دست آمده از مطالعات صاحب‌نظران نام‌برده، باید آموزش مفاهیم دینی

دینی در چهار محور (خداشناسی، نبوت، امامت و معاد) را شامل شده است (علت انتخاب چهار محور مذکور تأکید سند برنامه درسی ملی مبنی بر شناسایی عقلانی این چهار حیطه به دانش‌آموزان است). چارچوب نظری و مقوله‌های این چک‌لیست در مجموع با مراجعه به منابع دینی تهیه شده است. با توجه به نتایج بررسی و تحلیل‌های صورت‌گرفته، در این فرم دو مؤلفه اصلی در ارتباط با پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان تعیین شده که عبارتند از: (۱) موارد مربوط به پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان؛ (۲) موارد مربوط به زمینه‌سازی پرسشگری کودکان در زمینه مسائل دینی. برای هر یک از این دو مقوله، چهار مقوله فرعی دیگر از جمله توحید، معاد، نبوت و امامت منظور شد. در مقوله توحید محورهایی همچون چیستی خداوند (شکل ظاهری، محل استقرار و...)؛ چگونگی (مثل نحوه خلق موجودات، نحوه ارتباط با موجودات و اداره هستی) و چرایی (چرا خدا یکتاست؟ چرا وجود خدا برای اداره جهان لازم است و...) در نظر گرفته شد. در بحث نبوت و امامت، دو محور شناخت و سیره مدنظر قرار گرفت (محور شناخت شامل زندگی‌نامه، علت انتساب به این مقام، وظایف و مسئولیت‌ها، و محور سیره، دربردارنده فضایل اخلاقی و شیوه زندگی آنان می‌باشد). در محور معاد نیز تأکید بر روی مرگ در دو محور چیستی و چرایی بود.

روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات: در پژوهش حاضر ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای تربیت دینی، چیستی و چگونگی آن تبیین، سپس به موضوع سؤالات دینی کودکان در رابطه با مقوله‌های خدا، نبوت، امامت و معاد پرداخته شد. پس از آن، به منظور تحلیل محتوای کتاب «هدیه‌های آسمان» پایه پنجم، محتوای هر یک از دروس به اجزای تشکیل‌دهنده آن تقسیم گردید. واحدهای تحلیل در کتاب درسی متن و تصویر در نظر گرفته شد. مقوله‌بندی در این تحقیق با روش جعبه‌ای است؛ یعنی طبقات پیش از اجرای تحقیق تعیین می‌شوند و به همین دلیل، به آن، روش از پیش تعیین شده نیز می‌گویند

است و به همین علت، او دایم در زمینه‌های گوناگون به پرسش می‌پردازد تا دامنه اطلاعات خود را وسیع‌تر سازد. پرسش‌های او نشانه علاقه‌مندی‌اش به عقلانی و مستدل کردن اطلاعات مذهبی است (سلمان‌نژاد، ۱۳۸۶). به گزارش والدین، بخش عظیمی از پرسش‌های کودکان مربوط به خداست؛ از جمله اینکه: خدا چگونه سخن می‌گوید؟ در کجا سکونت دارد؟ زمین و زمینیان را چگونه اداره می‌کند؟ علاوه بر آن، کودکان معمولاً سؤالاتی را درباره معاد (مرگ) که ریشه در شنیده‌های آنها از سخنان اطرافیان دارد، مطرح می‌کنند. بخشی از سؤالات آنها معمولاً به مسئله نبوت و امامت برمی‌گردد. بنابراین، در یک کلام کلی می‌توان گفت: معمولاً سؤالات دینی کودکان در چهار محور خداشناسی، نبوت، امامت و معاد جای می‌گیرد. آنچه مهم است، دادن پاسخ به سؤالات کودکان است؛ پاسخ به سؤالات باید درست و قانع‌کننده باشند.

به‌طورکلی، روش‌های مورد استفاده برای پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، انواع روش‌های مستقیم در برابر روش‌های غیرمستقیم را شامل می‌شود؛ درحالی‌که روش‌های پاسخ‌دهی مستقیم ضامن انتقال درست و مؤثر مفاهیم نیستند (تریملک، وینسونیو و مالت، ۲۰۰۶، ص ۸۳). پاسخ سؤال مستقیماً و بدون تلاش و درگیری فکری دانش‌آموز در اختیار وی قرار می‌گیرد. در مقابل، به نظر می‌رسد روش‌های پاسخ‌دهی غیرمستقیم می‌توانند بخصوص برای کودکان، تأثیر عمیق‌تر و پایدارتری به جای گذارند. در این روش، به جای آنکه مستقیماً فرد را مورد خطاب قرار دهد و به او امر و نهی و توصیه کند و به بحث درباره یک موضوع بپردازد، امر پاسخ را به طور غیرمستقیم انجام می‌دهد. چون این روش لجاجت و مقاومت منفی روحی و احساس حقارت روش مستقیم را ندارد، باید به عنوان یک اصل آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی مورد توجه قرار گیرد (باهنر، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴).

از نگاه پژوهشگران، از مطالعه مجموع منابع و آثار پژوهشی صورت‌گرفته در این زمینه، به منظور تأثیرگذاری عمیق پاسخ‌ها بر کودکان، پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها با

انتزاعی تا زمان دستیابی کودک به تفکر انتزاعی به تأخیر افتد. به عبارتی، تا زمانی که کودک به سطح سازمان روانی لازم برای درک مفاهیم دینی نرسد، هیچ آموزشی برای وی مؤثر نخواهد بود. اما باید به این نکته دقت کرد که رشد دینی امری پیچیده و منحصر به فرد (نوذری، ۱۳۸۸) است و پرداختن به مفاهیم دینی علاوه بر جنبه‌های شناختی، جنبه‌های دیگری دارد. از جمله اینکه آشنایی کودک با بسیاری از مفاهیم دینی از جمله خدا، مرگ و... در اثر تعاملات اجتماعی وی و بافت فرهنگی محل زندگی‌اش صورت می‌گیرد. یکی از نظریه‌پردازانی که بسیار بر این قضیه تأکید ورزیده، ویگوتسکی است. او حل مسئله و تفکر را حاصل تأثیر فرهنگ و زمینه تاریخی اجتماعی در کارکردهای نخستین ذهنی (توانایی‌های طبیعی و ناآموخته انسان) می‌داند. ویگوتسکی یادگیری را بر رشد مقدم می‌داند. در واقع، او بزرگ‌ترها را داریستی فرض می‌کند که می‌توانند کودک را به بالاترین سطح توانایی‌اش برسانند. فرهنگ و ابزارهای آن به نوبه خود جزو محیط اجتماعی‌اند که بر رفتار و رشد اثر می‌گذارند.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که اجتماع، به‌مثابه زمینه و بستری فرهنگی، در رشد شناختی کودکان مؤثر است. هرچه محیط‌های اجتماعی در زمینه‌ای خاص (همانند مذهب، سیاست، هنر و غیره) فعال‌تر و پویاتر باشد، تجارب و دریافت‌های کودکان از محیط بیشتر می‌شود و به رشد شناختی بیشتری می‌رسند (داودی و همکاران، ۱۳۹۵).

ملاحظه دیگر این است که ذهن خلاق و جست‌وجوگر و کنجکاو کودکان از یک‌سو، و فطرت خداجوی آنان از سوی دیگر، همراه با قرار گرفتن در شرایطی که پیوسته گفت‌وگو درباره مفاهیم دینی و رعایت مناسک دینی جریان دارد، توجه آنها را به سمت یک قدرت و نیروی مافوق که می‌تواند نیازهای آنان را برطرف سازد، معطوف می‌نماید و جرقه‌های پرسشگری را در زمینه مسائل دینی در ذهن آنها روشن می‌کند.

روش‌ها و اصول پاسخ‌دهی به سؤالات دینی کودکان

درک و فهم کودک نسبت به مسائل مذهبی بسیار محدود

رعایت اصول زیر پیشنهاد می‌شود:

- (۱) اجازه دادن به کودکان برای مطرح کردن سؤالات متعدد در زمینه مسائل دینی؛
- (۲) ارائه پاسخ‌های قاطع به پرسش‌های کودکان؛
- (۳) تکریم شخصیت کودک و تشویق وی؛
- (۴) درک صحیح سؤالات کودکان؛
- (۵) استفاده از جملات روان، فصیح و شمرده؛
- (۶) آموزش مهارت پرسشگری به کودکان؛
- (۷) استفاده از جذابیت‌های هنری؛
- (۸) ورود به دنیای کودکانه مخاطبان؛
- (۹) استفاده از تجارب کودکان و محیط اطراف در ارائه پاسخ‌ها؛
- (۱۰) پرهیز از ارائه پاسخ‌های نادرست.

پژوهشگران در این پژوهش به تحلیل محتوای پایه پنجم اقدام کرده‌اند. علت انتخاب این پایه، اهتمام جدی‌تر کتاب «هدیه‌های آسمان» در پایه مذکور به پوشش همه‌جانبه مفاهیم دینی در جنبه‌های مختلف است.

تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم از منظر پرداختن به سؤالات دینی کودکان

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بیشترین میزان سؤالات دینی کودکان به محور خداشناسی مربوط می‌شود. کودکان گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال، در توصیف خداوند، بیشتر به صفات برجسته او مانند آفریننده و خالق بودن اشاره می‌کنند. البته این برداشت، دلیل فهم درست آنان از این معانی نیست و هنوز تفکر آنان متأثر از عناصر عینی و محسوس است. اکثریت کودکان در سنین دبستان خدا را به آسمان برده‌اند و دلایل گوناگونی برای آن بیان می‌دارند. در مورد نبوت و امامت، از ۹ تا ۱۳ سالگی، پیامبر و امام با مردم، متفاوت و حتی بی‌همانند تصور می‌شود؛ زیرا او از قدرت معجزه برخوردار است. در این سنین، برخی کودکان تلاش می‌کنند تا موقعیت ویژه او را در سایر زمینه‌ها تشخیص دهند؛ مانند اینکه: «خدا همیشه به او کمک می‌کند و معلومات بیشتری به او می‌دهد».

در مفهوم مرگ، کودکان ۷ تا ۱۱ سال، فقدان اعمال حیاتی به بعضی جنبه‌های دیگر مانند: نفس کشیدن، ضربان قلب و... که درونی‌تر است، تسری پیدا می‌کند و هنوز معنای واقعی مرگ حاصل نشده است. کودک در این سن، مرگ را به صورت فقدان حیات برای کسانی می‌داند که دور از او هستند و یا رابطه عاطفی نزدیکی با او ندارند. از این روی، درک او از مرگ دوستان و نزدیکان خود دیرتر از مرگ غیر آنان اتفاق می‌افتد. او می‌پندارد که بعضی افراد نمی‌میرند؛ به ویژه کسانی که با او مناسبات عاطفی نزدیک و او را دوست دارند. در مرحله بعد نیز مرگ خود را دیرتر از مرگ دیگران درک می‌کند. از این پس، برای بسیاری از کودکان، مرگ غیرقابل برگشت تصور می‌گردد و در نتیجه، از نظر عاطفی نیز مفهوم نوین می‌یابد و با مشاهده مرگ یکی از نزدیکان، ترس از مرگ ظاهر می‌شود (باهنر، ۱۳۸۸).

با عنایت به سطح و شیوه درک کودکان در سن ۱۱ سالگی از چهار محور خدا، نبوت، امامت و معاد، رایج‌ترین سؤالات دینی کودکان در این چهار محور مشخص گردید. از جمله، می‌توان در محور خداشناسی به سؤالاتی نظیر: خدا کجاست؟ خدا چگونه صدای بندگانش را می‌شنود؟ خدا چگونه جهان را اداره می‌کند؟ و به‌طور کلی، سؤالات مربوط به صفات و افعال خداوند اشاره کرد. در محور نبوت و امامت، پرسش‌های مربوط به معرفی، سیره، ویژگی‌ها و وظایف پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ و در محور معاد، سؤالات مربوط به چیستی، چگونگی و چرایی مرگ و کیفیات و ویژگی‌های جهان پس از آن، از جمله سؤالات کودکان در این سن می‌باشد. در ضمن تحلیل محتوا، علاوه بر اشاره صریح متون و تصاویر به چهار محور مذکور، فراهم کردن فرصت برای پرسشگری و افزایش اطلاعات دانش‌آموزان در چهار محور نیز، مدنظر قرار گرفته است.

در زیر خلاصه‌ای از نتایج محتوای کتاب «هدیه‌های آسمان» ارائه شده است.

جدول ۱: میزان توجه به سؤالات دینی کودکان در محوریت خداشناسی

نام کتاب	تعداد جملات	تعداد تصاویر	کل واحد ثبت	میزان توجه به مبحث خداشناسی		جمع کل	درصد کل
				فراوانی جملات	فراوانی تصاویر		
هدیه های آسمان پایه پنجم	۱۰۱۰	۸۲	۱۰۹۲	۶۶	۴	۵۰	۴۰.۵۷٪
				درصد جملات	درصد تصاویر		
				۴.۵٪	۴.۸٪		

براساس یافته‌های گزارش شده در جدول (۱)، از بین ۱۰۱۰ جمله گنجانده شده در کتاب، تنها ۴۶ جمله به سؤالات دینی کودکان در محوریت خداشناسی پرداخته است. از میان تصاویر، تنها ۴ تصویر معادل ۴.۸ درصد به این مقوله پرداخته است. به صورت کلی، در محوریت خداشناسی تنها در ۵۰ مورد و معادل ۴.۵۷ درصد کتاب درسی به سؤالات دینی کودکان توجه شده است.

جدول ۲: میزان توجه به سؤالات دینی کودکان در محوریت نبوت

نام کتاب	تعداد جملات	تعداد تصاویر	کل واحد ثبت	میزان توجه به مبحث نبوت		جمع کل	درصد کل
				فراوانی جملات	فراوانی تصاویر		
هدیه های آسمان پایه پنجم	۱۰۱۰	۸۲	۱۰۹۲	۱۱۷	۷	۱۲۴	۱۱.۳۵٪
				درصد جملات	درصد تصاویر		
				۱۱.۵۷٪	۸.۵٪		

جدول (۲)، نشان می‌دهد که در محوریت نبوت، تعداد جملات کتاب ۱۱۷ و معادل ۱۱.۵۷ درصد و تعداد تصاویر ۷ و معادل ۸.۵ درصد است. به طور کلی، از بین ۱۰۹۲ واحد ثبت کتاب درسی ۱۲۴ مورد، برابر ۱۱.۳۵ درصد از کل کتاب به محوریت نبوت پرداخته و در زمینه سؤالات دینی کودکان در محور نبوت مطالبی گنجانده شده است.

جدول ۳: میزان توجه به سؤالات دینی کودکان در محوریت امامت

نام کتاب	تعداد جملات	تعداد تصاویر	کل واحد ثبت	میزان توجه به مبحث امامت		جمع کل	درصد کل
				فراوانی جملات	فراوانی تصاویر		
هدیه های آسمان پایه پنجم	۱۰۱۰	۸۲	۱۰۹۲	۱۱۵	۱۳	۱۲۸	۱۱.۷۲٪
				درصد جملات	درصد تصاویر		
				۱۰.۳۴٪	۱۵.۸۵٪		

نتایج جدول (۳) حاکی از آن است که ۱۰.۳۴ درصد از جملات کتاب و ۱۵.۸ درصد از تصاویر کل کتاب به محوریت سؤالات دینی کودکان در زمینه امامت پرداخته است. در مجموع ۱۰۹۲ واحد ثبت کتاب درسی ۱۲۸ واحد به مقوله سؤالات دینی کودکان در زمینه امامت اشاره دارد.

جدول ۴: میزان توجه به سؤالات دینی کودکان در محوریت معاد

نام کتاب	تعداد جملات	تعداد تصاویر	کل واحد ثبت	میزان توجه به مبحث نبوت		جمع کل	درصد کل
				فراوانی جملات	فراوانی تصاویر		
هدیه های آسمان پایه پنجم	۱۰۱۰	۸۲	۱۰۹۲	۴۴	۳	۴۷	۴.۰۳٪
				درصد جملات	درصد تصاویر		
				۴.۳۵٪	۳.۶۵٪		

براساس یافته‌های گزارش شده در محور معاد، حدود ۴.۳۵ درصد از جملات و ۳.۶۵ درصد از تصاویر کتاب به سؤالات دینی کودکان در زمینه معاد اختصاص یافته است و در مجموع ۴.۰۳ درصد از کل تصاویر و متن کتاب به سؤالات دینی کودکان در زمینه معاد توجه داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

دینی به صورت مستقیم و عامدانه منتقل نمی‌گردد، بلکه در اثر بافت فرهنگی، مناسبات اجتماعی و تجارب زیسته افراد آموخته می‌شود (داودی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین، لازمه دستیابی به مفاهیم دینی، همیشه رسیدن به مرحله خاصی از رشد شناختی نیست. به واسطه خاصیت مباحث دینی و دایره محدود اطلاعاتی کودکان دوره ابتدایی در این باره، سؤالات دینی کودکان در این دوره مشهودتر و بنیادی‌تر است. این سؤالات عموماً مربوط به خدا، پیامبران، امامان و معاد (به‌ویژه مرگ) است. این ابهامات با بالا رفتن سن کودکان افزایش می‌یابد؛ زیرا درک برخی مفاهیم دینی در حدود ده یا یازده سالگی افزایش می‌یابد و تغییر تدریجی که در این مرحله رخ می‌دهد، حرکت از تفکر عینی به سوی تفکر انتزاعی است. بنابراین، می‌توان با حفظ اصول تعلیم و تربیت دینی کودکان، معلومات را در سطوح بالاتری برای آنها ارائه کرد (باهنر، ۱۳۸۷). نکته دیگر اینکه مفاهیم دینی اموری هستند که با فطرت کودک سازگارند و نیازی به تحمیل و سخت‌گیری ندارند (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). سخت‌گیری زمانی است که آموزه‌هایی خلاف خواست فطری کودک به گونه‌ای برای او ترسیم و تکرار شود که آن را بدون فکر و اندیشه بپذیرد. خشونت و سخت‌گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت به اصل دین و تعالیم حیات‌بخش آن بدبین نموده و آثار و پیامدهای ناگواری در روحیه لطیف او باقی خواهد گذاشت. برای پاسخ‌گویی به سؤالات دینی به زبان ساده و جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن، استفاده از قالب قصه و داستان توصیه می‌شود. اصولاً نقش ویژه تعلیم مفاهیم دینی به کودکان را باید متعلق به قصه‌ها دانست. اگر بیان معارف، بدون توجه به محدودیت‌های شناختی مطرح شود، ممکن است مطالبی فراتر از درک فراگیران بیان گردد و آنها را دچار سردرگمی و مشکلات بیشتری کند. بنابراین، نباید تجزیه و تحلیل خود را از مسائل دینی به کودک تحمیل کنیم، بلکه باید گام به گام او

براساس منطق قرآن، انسان از دوران کودکی به لحاظ نظری و عملی هیچ چیز نمی‌داند. از طرفی، دانش، علم و آگاهی لازمه رشد، تعالی و تکامل انسان است که با ابزارهای شناخت چشم، گوش و دل به دست می‌آید. علاوه بر آن، وجه تمایز انسان از سایر مخلوقات، برخورداری وی از قوه تعقل و تفکر است. این قوه، اساس شناخت و پرسشگری انسان را تشکیل می‌دهد. بنابراین، انسان موجود برتر تلقی می‌شود که دایم در حال حرکت و بالندگی است؛ می‌توان با تربیت صحیح دینی، او را در مدار واقعی زندگی و حیات طیبه قرار داد. نگرش الهی به تعلیم و تربیت، موجب می‌شود که علاوه بر بعد مادی و دنیوی انسان، به بعد معنوی و اخروی او نیز توجه و آفری شود و تمام رفتارها، گفتارها و پندارهای او در جهت رسیدن به سعادت جاوید قرار گیرد. در پرتو تعلیم و تربیت دینی است که تعالی اتفاق می‌افتد؛ زیرا خاستگاهش الهی و قدسی است و مهم‌ترین رویکرد آن، اعتلای کلمه توحید، بسط و گسترش تسبیح و تحمید الهی در روی زمین و نقش بستن تهلیل و تکبیر بر دل‌ها و جان‌هاست (انتظامی‌بیان و احقر، ۱۳۹۴). در راستای رسالت نظام آموزشی، کتاب‌های درسی باید بر مبنای منطقی پرسش و پاسخ در مسائل دینی توسط افراد متخصص در عرصه تربیت اسلامی تدوین و نگاشته شود تا راهنمای کودکان باشد و ابهام و سؤالات آنها را به طور منطقی پاسخ دهد. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل محتوای کتاب «هدیه‌های آسمان» پایه پنجم از منظر پرداختن به سؤالات دینی کودکان است. یافته‌ها بیانگر آن است که اگرچه روان‌شناسان از منظر تحولات شناختی، مراحل رشد دینی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش مفاهیم دینی باید تا زمان دستیابی کودک به تفکر انتزاعی به تعویق افتد (پیازه، ۱۹۷۴)، اما توجه به این واقعیت ضروری است که اولاً، در عین تطابق رشد دینی و رشد شناختی (باهنر، ۱۳۸۸)، رشد دینی پیچیدگی و منحصر به فردی خاص خودش را دارد. از سوی دیگر، سهم قابل توجهی از مفاهیم

غیرمستقیم و ایجاد بینش تغییر یافته است. بنابراین، کتاب «هدیه‌های آسمان» نیز به جای انتقال مستقیم مفاهیم دینی در چهار حوزه مذکور، به صورت غیرمستقیم و تلویحی در میان داستان‌ها و سایر مفاهیم، آنها را منتقل کرده است.

۲. براساس سیاست‌گذاری برنامه درسی ملی، حوزه‌های اعتقادی، یعنی خداشناسی، معاد، نبوت و امامت ولایت فقیه، باید در حد شناخت عقلانی و بدون پرداختن به جزئیات مطرح شود. بنابراین، در کتاب «هدیه‌های آسمان» پایه پنجم نیز این مباحث در رهگذر کلی معرفی شده و به خاطر عدم پرداخت به جزئیات، سهم پوشش آنها در محتوا ناچیز است.

۳. در الگوی هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی بنا بر سند برنامه درسی ملی، پنج عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش‌آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به صورت به هم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین می‌شود. این بدین معناست که تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق در رابطه با خداوند در درس مختلف دنبال می‌شود. در نتیجه، مبحث خداشناسی تنها منحصر به درس «هدیه‌های آسمان» نیست. از آنجاکه سهمی از آن در درس دیگر ادا می‌شود. پرداختن به محور خداشناسی در مقایسه با نبوت و امامت کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴. به نظر می‌رسد علت توجه حداقلی درس هدیه‌های آسمان به مبحث معاد، به وسیع، پیچیده و انتزاعی بودن دامنه اطلاعات این قلمرو از یکسو و پرهیز از جزئی‌گویی و ارائه تفصیلی مطالب این حوزه با توجه شرایط سنی و سطح رشد تفکر انتزاعی کودکان این رده سنی، از سوی دیگر برمی‌گردد.

۵. قالب ارائه مطالب در کتاب «هدیه‌های آسمان»، عموماً قصه و داستان است. بالاترین توجه به سیره و ویژگی‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام در کتاب به علت همخوانی محور امامت با جریان پرداخت داستان‌گونه محتوا و به دلیل اهمیت ایجاد بصیرت در دانش‌آموزان و هدف درس «هدیه‌های آسمان» مبنی بر شناساندن دین به عنوان راهنمای عمل و برنامه زندگی به دانش‌آموزان است.

را همراهی نماییم تا برای ورود به سطوح بالاتر تفکر آمادگی پیدا کند. تلقی صحیح و اصلاح نگرش دست‌اندرکاران اولین گام ضروری برای راه بردن به سوی تربیت دینی مطلوب است و خودبه‌خود، عرصه‌های اصلاح و تقویت تربیت دینی را در حد کتاب‌های درسی تعلیمات دینی، برنامه‌های اوقات فراغت، مراسم و مناسک عبادی و از این قبیل، محدود می‌سازد و انتظار دارد که در بستر نظام آموزشی جدای از دین و در ساختار طراحی شده براساس نگرش فلسفی غیردینی، تربیت دینی دانش‌آموزان سیر صعودی داشته باشد (ذوعلم، ۱۳۸۳). بنابراین، آموزش و انتقال صحیح مفاهیم دینی و تعمیق باورهای دینی در کودکان و نوجوانان یکی از موضوعات و مباحث مهم در نظام آموزش و پرورش است. در نظام اسلامی ما که بر مبنای اعتقادات دینی استوار است، باید در حفظ و اشاعه باورهای دینی فعالیت‌های لازم و مناسب صورت گیرد؛ در غیر این صورت، نسل آینده دچار آسیب و آفت خواهد شد. همواره برای مقابله با دشمنی‌ها باید در راستای تبیین باورهای دینی اقدامات مناسب از سوی افراد مسئول و متولی تربیت دینی صورت بگیرد. آموزش مفاهیم دینی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی، در درس «هدیه‌های آسمان» به صورت ویژه و اختصاصی دنبال می‌شود. نتایج تحلیل محتوای کتاب مذکور از نظر پرداختن به سؤالات دینی کودکان (هم از منظر پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان و هم از زاویه فراهم‌سازی فرصت برای مطرح کردن پرسش‌های دینی کودکان)، نشان می‌دهد در چهار محور خداشناسی، نبوت، امامت و معاد، بیشترین سهم محتوا به مبحث امامت، و کمترین آن به مبحث معاد اختصاص دارد. در مجموع، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

۱. در رویکرد جدید طراحی و تدوین کتب درسی، که تمام کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و از جمله «هدیه‌های آسمان» نیز بر مبنای آن تهیه شده است، ارائه مفاهیم و مطالب، بیشتر از حالت ارائه مستقیم و طوطی‌وار به ارائه

در مجموع باید اشاره کرد ۳۱.۸۸ درصد از جملات و ۳۲.۹۲ درصد تصاویر کل کتاب به مباحث چهارگانه خداشناسی، نبوت، امامت و معاد پرداخته‌اند. به نظر پژوهشگر، اگرچه پرداختن به جزئیات و ارائه مطالب فراتر از سطح درک و فهم دانش‌آموز به جای ایجاد بصیرت، نتیجه معکوس دین‌هراسی و دین‌گریزی را به دنبال دارد، اما پرداختن تنها حدود ۳۰ درصد از کل کتاب به محورهای مذکور با توجه به گروه سنی دانش‌آموزان پایه مورد بررسی و نزدیک شدن سطح تفکر آنان به تفکر انتزاعی، نشان از نیاز به بازنگری عمیق‌تر محتوای کتاب جهت تحقق اهداف برنامه درسی ملی و تناسب با ویژگی‌های خاص مخاطبان آموزشی دارد؛ زیرا تشویق دانش‌آموزان به کنجکاوی و پرسشگری باعث دستیابی آنها به تفکر انتقادی شده و مانع از باور کردن فوری حرف دیگران می‌شود (پترسون، ۲۰۰۳).

در پایان، به این نکته مهم باید اشاره کرد که به‌طور کلی، در شکل‌گیری تربیت صحیح دینی در انسان‌ها که سهمی از آن به واسطه پاسخ‌گویی صحیح به سؤالات دینی کودکان محقق می‌شود، نباید نسبت به نقش تأثیرگذار محیط تربیتی سالم و کارآمد و به‌ویژه به نقش مربیان دلسوز که ناظر تربیت دینی کودکان و نوجوانان هستند، بی‌توجه بود.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که برای اشاعه مفاهیم و باورهای دینی در دانش‌آموزان، باید زیرساخت‌های اساسی مانند خانواده (فضل‌الهی قمشی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۴)، معلمان پرورشی و امکانات محیط آموزشی را مورد توجه قرار داد. خطیب و فرج‌اللهی (۱۳۹۱) نیز در تأیید نقش خانواده و الگو برداری از معلم و پدر و مادر در تربیت دینی فرزندان می‌نویسند: نقش خانواده و متولیان آموزشی در تربیت دینی فرزندان از عوامل حساس و تأثیرگذار در مبحث تربیت دینی است. روش‌های تبلیغی و آموزشی خود جامعه نیز می‌تواند روش مؤثری برای ارتقای باورهای دینی دانش‌آموزان باشد که باید به تهیه‌کنندگان برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در این زمینه آگاهی لازم داده شود.

منابع

- نهج‌البلاغه**، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین علیه السلام.
- اشعری، زهرا و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبائی»، *تربیت اسلامی*، سال هفتم، ش ۱۵، ص ۸۹-۱۱۲.
- انتظامی‌بیان، نرگس و قدسی احقر، ۱۳۹۴، «تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال هفتم، ش ۱، ص ۵۱-۷۰.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۸، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه. باهنر، ناصر، ۱۳۸۷، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- باهنر، ناصر، ۱۳۸۸، «تعلیم و تربیت دنیای ناشناخته دینی کودکان»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال اول، ش ۲، ص ۲۰۳-۲۳۵.
- بهشتی، محمد، ۱۳۸۸، «روش‌های تربیت معنوی»، *اخلاق و تربیت خلق*، ش ۱۴.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جام‌خانه، کیوان، ۱۳۹۰، *تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی: تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی بخوانیم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، کردستان، دانشگاه کردستان.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۰، *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت‌وگوها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- حسینی، محمد، ۱۳۹۵، «بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی»، *تربیت اسلامی*، سال یازدهم، ش ۲۲، ص ۲۵-۵۱.
- خطیب‌زنجانی، نازیلا و مهران فرج‌اللهی، ۱۳۹۱، «عوامل مؤثر در اشاعه مفاهیم و باورهای دینی بین دانش‌آموزان (دوره راهنمایی و متوسطه منطقه ۲ تهران)»، *روانشناسی تربیتی*، سال هشتم، ش ۲۵، ص ۲-۲۰.
- داودی، محمد، ۱۳۸۹، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (تربیت اخلاقی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داودی، محمد، ۱۳۸۵، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داودی، محمد و همکاران، ۱۳۹۵، «مبانی، اصول و روش‌های پاسخ‌گویی به سؤالات کودکان درباره خداوند»، *علوم تربیتی از*

صالحی، اکبر و رحیمه‌السادات تهامی، ۱۳۸۸، «بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه»، *تربیت اسلامی*، سال سوم، ش ۹، ص ۷۵-۹۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۷، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.

عابدینی بلتربیک، میمنت و محمدرضا نیلی، ۱۳۹۳، «تحلیل جایگاه سازنده‌گرایی به عنوان رویکرد نوین یادگیری در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، *برنامه ریزی درسی*، سال یازدهم، ش ۱۳، ص ۱۷-۶.

علیزاده، مژده و سیدحمیدرضا علوی، ۱۳۹۴، «بررسی محتوای کتاب هدیه‌های آسمان مقطع سوم ابتدایی از منظر اصول انتخاب محتوای آموزشی در قرآن کریم»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال هفتم، ش ۱، ص ۷۱-۹۰.

فتوحی، سیدحسین و سیدمحمدرضا موسوی‌نسب، ۱۳۹۲، «راه‌کارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی»، *معرفت*، ش ۲۰۹، ص ۱۰۷-۱۱۶.

فضل‌اللهی قمشی، سیف‌اله و منصوره ملکی‌توانا، ۱۳۹۴، «اولویت‌بندی عوامل خانوادگی مؤثر در تربیت دینی فرزندان»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۲۵، ص ۱۰۷-۱۱۸.

فیاض، ایران‌دخت، ۱۳۸۸، «پرسشگری، راهبرد هویت‌پایدار در قرآن کریم»، *مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه السلام*، ش ۷۷، ص ۴۲-۹.

قاسم‌پور دهاقانی، علی و ابراهیم میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۸، «سازواری و ناسازواری‌های تلقین در تربیت دینی»، *تربیت اسلامی*، سال چهارم، ش ۸، ص ۲۳-۴۷.

قاسمی، حسین و محمود کاظمی، ۱۳۹۳، «تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، *نوآوری‌های آموزشی*، سال سیزدهم، ش ۵۲، ص ۱۰۰-۱۱۶.

قمی، شیخ عباس، ۱۳۵۹، *سفینه البحار*، قم، اسوه. کریمیان‌پور، غفار و حمیرا احمدی، ۱۳۹۳، «تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی»، *رشد آموزش پیش‌دبستانی*، سال پنجم، ش ۳، ص ۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گنجی، کامران و همکاران، ۱۳۹۲، «اثر بخشی آموزش مهارت‌های پرسشگری به معلمان بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان متوسطه»، *روان‌شناسی تربیتی*، ش ۲۷، ص ۱-۲۷.

دیدگاه اسلام، ش ۶، ص ۱۰۹-۱۳۲.

ذوعلم، علی، ۱۳۸۳، «شاخص‌های تربیت دینی از نگاه قرآن کریم»، *رشد آموزش قرآن*، ش ۷، ص ۴۷-۵۲.

زارعان، محمدجواد، ۱۳۷۹، «تربیت دینی و لیبرال»، *معرفت*، ش ۱، ص ۲۲-۳۱.

سجادی، مهدی، ۱۳۸۴، «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی (قابلیت‌ها و کاستی‌ها)»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۱۱، ص ۲۶-۴۶.

سرمد، زهره و دیگران، ۱۳۸۷، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.

سلحشوری، احمد، ۱۳۹۰، «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی»، *رهیافتی نو در مسد پریت آموزشی*، سال دوم، ش ۲، ص ۴۱-۵۶.

سلیمان‌نژاد، قنبر، ۱۳۸۷، «مراقبت‌های لازم در تربیت دینی کودکان»، *پیونده*، ش ۳۴۲، ص ۷۲.

سمیعی، اعظم و مریم افضل‌خانی، ۱۳۹۲، «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی پایه ششم ابتدایی از منظر فعال و غیرفعال بودن براساس روش ویلیام رومی در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲»، *پژوهش‌های برنامه درسی*، سال دوم، ش ۳، ص ۱۱۹-۱۳۶.

شاملی، عباسعلی، ۱۳۸۶، *تربیت اخلاقی، پیش‌فرض و چالش‌ها*، قم، معارف.

شاملی، عباسعلی و همکاران، ۱۳۹۰، «برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال دوم، ش ۳، ص ۷۷-۹۸.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ۱۳۹۱، *فرهنگ توصیفی علوم رفتاری*، تهران، اطلاعات. شکاری، عباس و همکاران، ۱۳۹۳، «آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی از منظر برنامه درسی پنهان (مورد پژوهش: دانشگاه کاشان)»، *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال پنجم، ش ۹، ص ۱۲۳-۱۴۳.

شمشیری، بابک و مرضیه نوزدی، ۱۳۹۰، «آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی از نظر متخصصان روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم دینی، ادبیات کودک و مریمان پیش‌دبستانی»، *تربیت اسلامی*، ش ۱۲، ص ۵۱-۷۳.

صادق‌زاده قمصری، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۴، «گفت‌وگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن: واکاوی گفت‌وگوهای تربیتی قرآن»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیست و دوم، ش ۲۵، ص ۱۱۹-۱۴۱.

مهرمحمدی، محمود، ۱۳۸۴، *جامعه‌دانشایی محور و نظریه‌تعلیم و تربیت سؤال‌محور*، تهران، سمت.

نوذری، محمود، ۱۳۸۸، «توصیف و ارزیابی رویکرد شناختی رشد دینی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۳۹-۱۶۸.

نوذری، محمود و همکاران، ۱۳۹۱، «تحلیل میزان دانش و مهارت مربیان در پاسخ‌گویی به پرسش‌های کودکان درباره خدا»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۵، ص ۲۲-۵.

نوذری، محمود، ۱۳۹۰، «آموزش دین در دوره کودکی: ارزیابی انتقادی رویکرد روان‌شناختی»، *تربیت اسلامی*، سال ششم، ش ۱۳، ص ۱۷۳-۱۹۲.

نوروزی، رضاعلی و راضیه بدیعیان گورتی، ۱۳۸۸، «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین علیه السلام»، *اندیشه دینی*، سال یازدهم، ش ۳۳، ص ۹۱-۱۰۸.

نوریان، محمد، ۱۳۹۰، *راهنمای عملی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی*، ج دوم، تهران، شورا.

همت‌بناری، علی، ۱۳۸۲، *مآخذشناسی تربیت اخلاقی*، قم، تربیت اسلامی.

Ashton, E, 2012, *Religions Education in the Early years*, London, Routledge.

Paterson, L. B, 2003, *Teaching Nursing: Developing a Student Centered Learning Environment*, Lippincott, Williams & Wilkins.

Piaget, J, 1972, *Moral Judgment of the child; Traslataed by Marjvie Gabain*, London, Routlege and Kegan Paul.

Swanson, L. H. & Hill, G, 1993, "Meta Cognitive Aspects of Moral Reasoning and Behavior", *Adolescence*.